

Criticism of Contradiction Theory

Seyyed Hossein Fasihi

*Phd student, Al-Mustafa International University
(sayedhosainf@gmail.com)*

Mahdi Gorjian

*Professor, Baqir al-Olum University
(mm.gorjian@yahoo.com)*

Abolfazl Kiashemshaki

*Associate professor, Baqir al-Olum University
(akia45@gmail.com)*

Abstract

Contradictionism is a theory that seeks to prove the possibility of realizing a society of contradictions in the outside world by showing some paradoxical theorems. Contradictionists claim that in the real world some contradictions are both true and false. Paradoxists have offered the Liar, Greeting Card, Reinforced, and Yablo paradoxes as proofs for Contradictionism. The main question of the article is taken as: What logical evidence do we have against the paradoxes of contradictory beliefs? In this article, using the explanatory-analytical method, we have criticized the arguments of those viewing contradictionism, used fallacies, shown each paradox, and finally we have concluded that their arguments do not seem justified. The critiques of this article are innovative and have not been seen in previous books and articles.

Keywords: Logic, Paradox, Contradiction, Fallacy.



نقد نظرية التناقضية

سيد حسين فصيحى^١مهدى گرجيان^٢ابوالفضل كياشمشكى^٣

التناقضية هي نظرية تسعى لإثبات إمكانية تحقيق التناقضات في العالم الخارجي من خلال عرض بعض المسائل المتناقضة. يدعي التناقضيون أنه في العالم الواقع، هناك بعض التناقضات التي تتصف بالصدق والكذب في نفس الوقت. قدم التناقضيون مفارقات الكذاب، وبطاقة التهنة، والمعززة، ويابلو كأدلة لإثبات التناقضية. السؤال الرئيسي في المقالة هو: ما هي الأدلة المنطقية ضد مفارقات التناقضية؟ في هذه المقالة، من خلال منهجية توضيحية-تحليلية، قمنا بنقد أدلة التناقضيين، وأظهرنا المغالطات المستخدمة في كل مفارقة، واستنتجنا في النهاية إلى أن أدلة التناقضية لا تبدو معتبرة. وجوه النقد في هذه المقالة ابداعية ولم يَر في كتب ومقالات السلف.

مفاتيح البحث: المنطق، المفارقة، التناقضية، المغالطة.

١. طالب دكتوراه في الفلسفة الإسلامية في جامعة المصطفى ﷺ (sayedhosainf@gmail.com).

٢. أستاذ وعضو هيئة التدريس في جامعة باقر العلوم ﷺ (mm.gorjian@yahoo.com).

٣. أستاذ مشارك وعضو هيئة التدريس في جامعة أميركبير (akia45@gmail.com).



فصلنامه علمی-پژوهشی آیین حکمت
سال شانزدهم، فروردین ۱۴۰۳، شماره مسلسل ۵۹

نقد نظریه تناقض باوری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

* سیدحسین فصیحی

** مهدی گرجیان

*** ابوالفضل کیاشمشکی

تناقض باوری نظریه‌ای است که با نشان دادن چند قضیه پارادوکسیکال در پی اثبات امکان تحقق اجتماع تناقض در جهان خارج است. تناقض باوران مدعی‌اند که در عالم واقع برخی تناقض‌ها هم صادق‌اند و هم کاذب. تناقض باوران پارادوکس‌های دروغگو، کارت تبریک، تقویت‌شده و یابلو را به عنوان دلیل برای اثبات تناقض باوری ارائه کرده‌اند. سؤال اصلی مقاله این است که ما چه ادله منطقی علیه پارادوکس‌های تناقض باوری داریم؟ ما در این مقاله با روش تبیینی-تحلیلی، ادله تناقض باوران را نقد کرده، مغالطات به کاررفته، در هر پارادوکس را نشان داده‌ایم و در نهایت به این نتیجه رسیده‌ایم که ادله تناقض باوری موجه به نظر نمی‌رسد. نقدهای این مقاله ابتکاری است و در کتاب‌ها و مقالات پیشین دیده نشده است.

واژه‌های کلیدی: منطق، پارادوکس، تناقض باوری، مغالطه.

* دانشجویی دکترای فلسفه اسلامی جامعه المصطفی العالمیه (sayedhosainf@gmail.com).

** استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه باقر العلوم (mm.gorjian@yahoo.com).

*** دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امیرکبیر (akia45@gmail.com).



مقدمه

تناقض باوری نظریه‌ای است درباره امکان اجتماع دو قضیه و توسط بعضی منطق دانان معاصر غرب مطرح شده است. اگرچه تناقض باوری ریشه در فلسفه یونان به عنوان پارادوکس دروغگو دارد، در فلسفه اسلامی به عنوان «معمای جذر اصم» معروف است و علمای زیادی در نقد آن رساله نوشته‌اند. این نظریه معتقد است اجتماع دو گزاره متناقض نه تنها عقلاً ممکن است، بلکه تحقق خارجی نیز دارد.

ما در این مقاله کوشیده‌ایم نخست تعریف منطقی، معرفت‌شناختی و فلسفی از اصل استحاله تناقض ارائه کنیم و سپس تلاش کرده‌ایم به مضمون مدعای تناقض باوران نزدیک شویم و سپس چهار مصداق تناقض باوری را که به عنوان موارد تحقق تناقض صادق ذکر شده است، بررسی و تحلیل کنیم و در نهایت نقدهایی را که بر ادله آنها وارد است، ارائه کنیم.

تعریف لغوی اصل امتناع تناقض

تناقض در لغت فارسی به معنای باژگونه، ضد یکدیگر بودن، ناهمتا و ناسازی است. تناقض در مفهوم دو لفظ، در صورتی است که یکی از آن دو امری را اثبات کند و دیگری نفی، مانند هست و نیست، روشنایی و تاریکی... (معین، ۱۳۷۵: ۸/ ۱۱۴۶) و تناقض در لغت عربی صفت قول است و به دو قولی متناقض گفته می‌شود که یکی معنای دیگری را نفی کند (عسکری، ۱۴۰۰: ۳۶).

تعریف معرفت‌شناختی اصل امتناع تناقض

اگر حیث معرفت‌شناختی اصل امتناع تناقض را در نظر بگیریم، سخن از بداهت و روشنی آن به میان می‌آید. در نگاه معرفت‌شناختی ما اصل تناقض را به عنوان موضوع معرفت بررسی می‌کنیم و ارزش و نسبت آن را با معارف دیگر می‌سنجیم. در چنین مواردی معمولاً با عناوینی مانند ام القضا، اولی الاوایل، ابد البدیهیات یاد می‌شود و بنابراین تناقض عبارت است از: «اختلاف دو تصور یا دو قضیه در سلب و ایجاب مثل تصور ب و نفی ب» (صلیبا، ۱۳۹۳: ۲۵۹). در این تعریف بر اهمیت جایگاه معرفت‌شناختی این اصل تأکید شده است. در عناوین فوق

به نسبت این اصل با دیگر قضایای نظری و همچنین نسبت آن با دیگر بدیهیات نیز اشاره شده است (ر.ک: صادقی، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

تعریف منطقی اصل امتناع تناقض

تناقض در منطق یکی از اقسام چهارگانه تقابل است. تقابل تناقض در موردی اتفاق می‌افتد که دو قضیه، اختلاف در کیفیت، کم و جهت داشته باشند، به گونه‌ای که لذاته صدق یکی مستلزم کذب دیگری و کذب یکی مستلزم صدق دیگری باشد و همچنین در تحقق تناقض میان دو قضیه باید نه وحدت تحقق داشته باشد تا تناقض منطقی شکل بگیرد (ر.ک: حلی، ۱۳۸۴: ۱۲۴-۱۲۵). «التَّناقُضُ اخْتِلَافُ الْقَضِيَّتَيْنِ بِحَيْثُ يَلْزَمُ مِنْ صَدَقِ كُلِّ مِنْهُمَا كَذْبُ الْآخَرِ» (خوانساری، ۱۳۷۶: ۶۶). بنابراین نقیض موجب کلیه، سالبه جزئی و بر عکس و نقیض سالبه کلیه، موجب جزئی و بر عکس است؛ زیرا اگر دو قضیه در کم اختلاف نداشته باشند، ممکن است هر دو کاذب باشند مانند:

(۱) هر مثلی متساوی الاضلاع است.

(۲) هیچ مثلی متساوی الاضلاع نیست.

که هر دو کاذب است و این نوع قضایا را متضادان گویند و اگر هر دو جزئی باشند، ولی اختلاف در کیفیت نداشته باشند، ممکن است هر دو صادق باشند مانند:

(۱) بعضی مهره‌داران پستاندارند.

(۲) بعضی مهره‌داران پستاندار نیستند.

که هر دو صادق است. منطق‌دانان این گونه قضایا را داخلان تحت التضاد گویند. از همین جهت است که در قضایای مهمله نیز تناقض محقق نمی‌شود؛ چون در حکم جزئی است و چنانچه دو قضیه جزئی در کیف مختلف باشند، ممکن است هر دو صادق باشند مانند: (۱) انسان در زیان است. (۲) انسان در زیان نیست که گویا گفته‌ایم بعضی انسان‌ها در زیان‌اند و بعضی انسان‌ها در زیان نیستند. اما در قضایای شخصی اختلاف در کم شرط نیست مانند: (۱) این شعر از سعدی است. (۲) این شعر از سعدی نیست. در قضایای مهمله (عاری از قید

جهت) اختلاف در کم و کیف کافی است؛ ولی در قضایای موجه اختلاف در جهت نیز لازم است (خوانساری، ۱۳۷۶: ۶۶). نتیجه اینکه در تناقض منطقی، صدق و کذب وصف مفهوم قضیه است و استحاله اجتماع و ارتفاع وصف تناقض می‌باشد.

تعریف فلسفی اصل امتناع تناقض

در اصطلاح فلسفی تناقض بیانگر امتناع اجتماع وجود و عدم است؛ وجود و عدمی که قضیه استحاله اجتماع تناقض از آن حکایت می‌کند؛ یعنی صدق یک قضیه به معنای مطابقت مضمون آن با واقعیت خارج از ذهن است و کذب آن به معنای عدم مطابقت مضمون آن با خارج از ذهن. بنابراین امتناع اجتماع صدق دو قضیه متناقض به معنای عدم امکان تحقق مضمون آنهاست و تحقق مضمون همزمان دو قضیه به این دلیل ناممکن است که صدق همزمان آن دو در نهایت به اجتماع وجود و عدم برمی‌گردد؛ یعنی در فلسفه «استحاله اجتماع» اولاً و بالذات صفت طرفین نقیض (وجود و عدم) است و ثانیاً و بالعرض وصف قضیه قرار می‌گیرد و چون تقابل سلب و ایجاب ریشه در وجود و عدم دارد، از مسائل وجودشناختی فلسفی و از معقولات فلسفی است. «تقابل از معقولات ثانیه فلسفی است که ظرف عروضش ذهن و ظرف اتصافش خارج است» (مطهری، ۱۳۷۳: ۸۳/ ۸۴۴).

به عبارت دیگر نسبت تناقض که بین دو قضیه پدیدار می‌شود و ریشه در عوارض موجود بما هو موجود دارد؛ یعنی بُعد منطقی اصل عدم تناقض به بُعد فلسفی آن برمی‌گردد. «أَوَّلُ كُلِّ الْأَقْوَالِ الصَّادِقَةِ الَّذِي يَنْتَهِي إِلَيْهِ كُلُّ شَيْءٍ فِي التَّحْلِيلِ ... هُوَ أَنَّه لَاوَاسِطَةَ بَيْنَ الْإِيجَابِ وَالسَّلْبِ. وَ هَذِهِ الْخَاصَّةُ لَيْسَتْ مِنْ عَوَارِضِ شَيْءٍ إِلَّا مِنْ عَوَارِضِ الْمَوْجُودِ بِمَا هُوَ مَوْجُودٌ، لِعُمُومِهِ فِي كُلِّ مَوْجُودٍ» (ابن سینا، ۱۴۰۵ ق، ۶۲).

با توجه به تعاریف منطقی، معرفت‌شناختی و فلسفی از اصل عدم تناقض، معلوم می‌شود هر کدام از منطق‌دانان، معرفت‌شناسان و فیلسوفان به بعدی از ابعاد این اصل نظر دارند؛ به این بیان که فیلسوف اصل عدم تناقض منطقی را به عدم اجتماع وجود و عدم برمی‌گرداند؛ چون وظیفه فیلسوف پیدا کردن بنیاد وجودی اصل معرفت است و حال آنکه منطق‌دان به نسبت بین دو مضمون قضیه مانند الف ب است و الف ب نیست، توجه دارد و توجه معرفت‌شناس

به نسبت این اصل با اصول بدیهی دیگر مانند هو هویت، الكل اعظم من الجزء و ... و میزان معرفت‌بخشی این گونه قضایا متمرکز است.

ابعاد منطقی اصل امتناع تناقض

در مقاله حاضر برای ما بعد منطقی این اصل اهمیت دارد؛ زیرا تناقض‌باوری بحث منطقی است و ما نسبت به نقد آن نیز با معیارهای منطق وارد می‌شویم، اگرچه از دانش معرفت‌شناسی و فلسفی برای اثبات مدعای خود نیز کمک می‌گیریم. بنابراین از نظر منطقی اصل امتناع تناقض دارای دو وجه است: یکی امتناع اجتماع نقیضین و دیگری امتناع ارتفاع نقیضین؛ ولی آن گونه که منطق‌دانان باور دارند، اصل ارتفاع به اصل اجتماع برمی‌گردد؛ مثلاً الف و لا الف دو نقیض‌اند و معنای ارتفاع آن دو این است که هم الف نباشد و هم لا الف نباشد؛ یعنی به جای الف، لا الف و به جای لا الف، لا لا الف باشد و می‌دانیم که مصداق لا لا الف همان الف است؛ پس ارتفاع دو نقیض (الف و لا الف)، همان اجتماع دو نقیض (لا الف و الف) است (ر.ک: سلیمانی امیری، ۱۳۸۵: ۸۲).

استدلال ناپذیری اصل امتناع تناقض

اصل امتناع اجتماع و ارتفاع تناقض به هیچ وجه استدلال‌پذیر نیست؛ زیرا اگر کسی بخواهد این اصل را با استدلال اثبات کند، چاره‌ای ندارد جز اینکه بر خود این اصل تکیه زند؛ چون هر قضیه‌ای که بخواهد دلیلی برای اثبات این اصل قرار بگیرد، باید قبلاً ثابت شده باشد که دلیل بودن و دلیل نبودن این استدلال با هم قابل جمع نیست و اگر مستدل اصل امتناع تناقض را از قبل نپذیرفته باشد و در عین حال بخواهد برای اثبات آن دلیل اقامه کند، این احتمال وجود دارد که آن قضیه می‌تواند هم دلیل باشد و هم دلیل نباشد و در نتیجه دلالت قطعی بر اثبات مدعا نخواهد داشت (ر.ک: شیرازی، ۱۳۸۵: ۸۲).

کلیت و ضرورت اصل امتناع تناقض

اصل تناقض دو وصف مهم دارد که عبارت است از کلیت و ضرورت؛ به این معنا که این اصل مستثنا ندارد و تخصیص‌پذیر نیست؛ یعنی هر جا که محل جریان این قاعده باشد، حکم

به محال بودن اجتماع و ارتفاع آن ضروری و انفکاک ناپذیر است. نه مصداقی از تحت آن خارج می شود و نه استحاله از اجتماع و ارتفاع قابل زوال است.

نگاه اجمالی به پیشینه تناقض باوری

با اینکه اصل عدم تناقض نخستین اصل در همه علوم است و بنیاد شناخت همه معارف بشر می باشد و صفت کلیت و ضرورت را دارد، نخستین رد پای انکار اصل «امتناع تناقض را در اندیشه برخی فیلسوفان پیش سقراطی و برخی عرفای شرقی می توان یافت. جمله مشهور هراکلیتوس که می گفت: «ما در یک رودخانه دو بار پا نمی گذاریم، هستیم و نیستیم. نیک و بد و مرگ و زندگی و هستی و نیستی در واقع یکی است» (ر.ک: کاپلستون، ۱۳۸۸: ۵۰-۵۱؛ فروغی، ۱۳۸۴: ۱۵). برخی اندیشه مندان و منطق دانان هندی نیز بر این باور بوده اند که یک عبارت می تواند چهار ارزش ممکن را داشته باشد: «فقط صادق، فقط کاذب، نه صادق و نه کاذب و هم صادق و هم کاذب باشد» (شریفزاده، ۱۳۹۶: ۹)؛ اما ظاهراً در میان متفکران مسلمان نخستین بار تناقض باوری در قالب شبهه «جذر اصم» که یکی از مصادیق تناقض باوری است، مطرح شده است (ر.ک: تفتازانی، ۱۳۷۱: ۲۸۷).

کامل ترین کتابی که شبهه جذر اصم را در میان اندیشه مندان مسلمان قرن هفتم بررسی کرده است، کتاب «دوازده رساله در پارادوکس دروغگو» است که صدرالدین دشتکی، دوانی، غیاث الدین، خفری و بخاری نوشته اند و احمد فرامرز قراملکی این رسائل را جمع آوری کرده است (ر.ک: اعوانی، ۱۳۷۵: ۲۲۵؛ قراملکی، ۱۳۷۶: ۶۹).

تناقض باوری

در قرن حاضر کسانی مدعی شده اند که اجتماع تناقض نه تنها ممتنع نیست، بلکه ما مواردی را یافته ایم که نشان می دهد اجتماع تناقض در عالم خارج نیز محقق شده است (ر.ک: شریفزاده، ۱۳۹۶: ۹) و ادلّ دلیل علی امکان شیء وقوعه.

تناقض باوری نامی است که گراهام پریست به همراه ریچارد روتلی به دیدگاهی داده اند که نه تنها منکر امتناع تناقض هاست، بلکه صدق برخی از آنها را نیز باور دارند. درواقع این دیدگاه

حیاتی‌ترین مبنایی را که در طول تاریخ اندیشه بشر تصور می‌شد غیر چون و چراست، به چالش می‌کشد. تناقض‌باوری بسیار فراتر از یک بحث خُرد منطقی - فلسفی است. تناقض‌باوری واکنشی علیه نظام‌هایی است که در صدد ایجاد چارچوب‌های صلب برای اندیشه‌اند. تناقض - باوری راه فرار از زندان قالب‌ها و مفاهیم تخلف‌ناپذیر یا نقض‌ناپذیر است؛ چراکه تناقض‌باوری سراغ تخلف‌ناپذیرترین قالب‌ها یعنی اصل عدم تناقض می‌رود و می‌خواهد سست بودن، امکانی بودن، پسینی بودن، تجربی بودن و به یک معنا زمینی بودن و بشری بودن آن را نشان دهد. اگر مدافع چنین نگاهی بتواند اصل عدم تناقض را از سر راه بردارد، کنار گذاشتن دیگر اصول صلب چندان دشوار نیست (شریف‌زاده، ۱۳۹۶: ۱-۲).

مدعای تناقض‌باوری

طرفداران تناقض‌باوری برخی تناقض‌ها را صادق می‌دانند و این قول مستلزم نفی کلیت و ضرورت این اصل است؛ یعنی اگر مصداق یا مصادیقی یافت شود که در آن مصادیق دوقضیه با رعایت شروط نه‌گانه وحدت و شروط چهارگانه اختلاف، قابل جمع یا رفع باشند، معلوم می‌شود که این اصل کلیت و ضرورت ندارد و در نتیجه از ارزش معرفتی و منطقی خود سقوط می‌کند و به کلی زیربنای معرفت یقینی بشر ویران می‌گردد. به باور تناقض‌باوران «برخی تناقض‌ها صادق‌اند. باید توجه کرد که ادعای تناقض - باوری چیزی فراتر از امکان تناقض است. تناقض‌باوری مدعی است که در همین عالم واقع برخی تناقض‌ها صادق‌اند. برخی تناقض‌ها آن هم بسیار اندک صادق‌اند نه اینکه هر تناقضی صادق باشد» (شریف‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۲).

تعریف تناقض از نگاه تناقض‌باوری

تناقض‌باوری رویکرد متفاوتی نسبت به تعریف تناقض ارائه کرده است. تناقض‌باوران تعریف زیر را به عنوان تعریف جامع و مانع تناقض معرفی کرده‌اند. «تناقض گزاره‌ای است که در شرایط یکسان هم صادق باشد و هم کاذب یا تناقض عطف دو گزاره‌ای است که در شرایط یکسان هر دو صادق باشد» (شریف‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۶).

در این تعریف تناقض باوران، اصل مدعای خود را که عبارت از «امکان اجتماع و امکان ارتفاع» باشد، مقوم تعریف قرار داده‌اند؛ در حالی که طبق تعریف نافیان تناقض باوری باید تعریف این گونه می‌بود «تناقض گزاره‌ای است که در مقایسه با نقیضش در شرایط یکسان یا فقط صادق یا فقط کاذب است» (Grim, 2005: 39).

به عبارت دیگر در تعریف فوق الذکر امکان اجتماع دو گزاره‌ای متناقض به عنوان معرف برای تناقض آورده شده است؛ چون تناقض باور می‌گوید: «تناقض دو گزاره‌ای است که در شرایط یکسان هم صادق باشد و هم کاذب» و مراد از شرایط یکسان همان وحدت‌های نه‌گانه است. اگرچه در عبارت تصریح نشده است، ولی اگر منظور تناقض باوران از شرایط یکسان غیر از شرایط نه‌گانه می‌بود، باید بیان می‌کردند؛ ولی کسانی که قایل به تناقض باوری نیستند، بر این تعریف اشکال می‌کنند که تناقض باور در تعریف تناقض امکان اجتماع را معرف قرار داده است و این تعریف مستلزم مصادره به مطلوب است؛ چون غرض تناقض باور اثبات امکان اجتماع تناقض است و در عین حال همین امکان اجتماع را در تعریف تناقض آورده است.

حالا ما از تناقض باور سؤال می‌کنیم که شما چرا تعریف رسمی تناقض را قبول ندارید که می‌گوید: «تناقض گزاره‌ای است که در مقایسه با نقیضش در شرایط یکسان یا فقط صادق یا فقط کاذب است»، تناقض باور در پاسخ می‌گوید: تعریف شما نیز مصادره به مطلوب است؛ چون شما نیز عدم امکان اجتماع دو گزاره متناقض را به عنوان معرف تناقض ذکر کرده‌اید و مطلوب شما نیز همین عدم امکان اجتماع است. بنابراین ما تعریف جدید ارائه می‌کنیم؛ ولی تعریفی را که تناقض باور برای تناقض ارائه می‌کند، برای فرار از کمند مصادره به مطلوب خود به همان کمند گرفتار شده است.

تفاوت پارادوکس صحیح با تناقض صادق

در تعریف پارادوکس صحیح گفته‌اند: «پارادوکس صحیح بر خلاف تناقض که عطف دو گزاره نقیض هم است، یک استدلال است؛ استدلالی که از یک نتیجه و چند مقدمه تشکیل شده است؛ اما این استدلال با بقیه استدلال‌های منطقی تفاوتی عمده دارد؛ چون که پارادوکس استدلالی است که در آن، نتیجه به ظاهر نامعقول از مقدماتی به ظاهر معقول، با استنتاجی

به ظاهر معقول به دست می‌آید؛ اما تناقض صادق تناقضی است که از یک پارادوکس صحیح منتج شده باشد. از آنجا که مقدمات یک پارادوکس صحیح صادق‌اند، صدق مقدمات از طریق قواعد استنتاجی به نتیجه نیز سرایت خواهد کرد و در صورتی که نتیجه آن پارادوکس یک تناقض باشد، ما تناقض پدیدآمده را تناقض صادق قلمداد خواهیم کرد؛ یعنی محق خواهیم بود که نتیجه را هم صادق و هم کاذب به شمار آوریم (شریف‌زاده، ۱۳۹۶: ۲۳-۲۷).

خلاصه مطالب فوق آن است که پارادوکس، استدلالی است که برای اثبات تناقض صادق ارائه می‌شود و تناقض صادق نتیجه پارادوکس ظاهراً معقول است. بر اساس همین تعریف و تفکیک بین تناقض صادق و پارادوکس، تناقض‌باوران پارادوکس‌هایی را به منظور اثبات مدعای خودشان ذکر می‌کنند.

ادله تناقض‌باوران برای اثبات تناقض‌های صادق و نقد آنها

بر اساس استقرای نگارنده، تناقض‌باوران معاصر چهار پارادوکس صحیح را به عنوان دلیل بر اثبات مدعای خودشان ذکر کرده‌اند. گرچه اشکال دیگری نیز از پارادوکس‌های صحیح در منابع گوناگون تناقض‌باوری وجود دارد، مهم‌ترین آنها چهار پارادوکس زیر است:

پارادوکس دروغگو

تناقض‌باوران صورت منطقی پارادوکس دروغگو را معمولاً به شکل زیر بیان می‌کنند.

(الف) الف کاذب است؛

(ب) الف یا صادق است یا کاذب.

(ج) اگر صادق باشد، پس آنچه می‌گوید بر قرار است و در این صورت کاذب است. اما اگر کاذب باشد، پس صادق است؛ چراکه این، همان چیزی است که خود گزاره اظهار می‌کند. پس الف صادق است اگر و تنها اگر کاذب باشد و در این صورت الف هم صادق است و هم کاذب (ر.ک: شریف‌زاده، ۱۳۹۶: ۳۳).

تناقض‌باور مدعی است مقدمات به کاررفته در این پارادوکس منطبق بر قواعد معتبر منطق کلاسیک -است. تناقض‌باور این پارادوکس را پارادوکس صحیح می‌داند؛ چراکه مقدمات آن

صادق است و قواعد به کار رفته در آن معتبر تلقی شده است. اگر ما این پارادوکس یا هر پارادوکسی را که تناقض باور صحیح می‌داند، نپذیریم، باید سعی کنیم به نحو موجه نشان دهیم که این پارادوکس صحت ندارد و تناقض بروزیافته، تناقض صادق نیست (ر.ک: شریف‌زاده، ۱۳۹۶: ۳۳).

اگر قضیه بدان جهت صادق است که مطابق با واقع است، پس از آنجا که قضیه می‌تواند حاکی از قضیه دیگر باشد و آن قضیه نیز حاکی از این، پس اگر قضیه اول حاکی از صدق قضیه دوم و قضیه دوم حاکی از کذب قضیه اول باشد، پس صدق هر یک از این دو قضیه با کذب آن ملازمه دارد و کذب با صدق آن در تلازم است (عارفی، ۱۳۸۸: ۲۲۷).

بعد از بیان پارادوکس فوق، تناقض باور به دو نوع راه حل یا اثبات دروغ بودن این تناقض اشاره می‌کند که یکی توسط تارسکی ارائه شده است و دیگر به راه حل نفی خود ارجاعی معروف است و سپس تناقض باور تلاش می‌کند راه حل‌های ارائه شده را نقد کند.

ما به دلیل پرهیز از طولانی شدن بحث از طرح راه حل تارسکی صرف نظر می‌کنیم و فقط اشاره می‌کنیم که تارسکی تلاش کرده است صورت استدلال را درست کند و ایشان معتقد است که تناقض باور صورت استدلال را به گونه نادرست چیده است تا تناقض، صادق به نظر برسد؛ ولی تناقض باور تلاش می‌کند مشکل صوری را فراری دهد.

البته تقریرهای گوناگون از پارادوکس دروغ‌گو و نقد آن در طول تاریخ اندیشه بشر ارائه شده که ما به گونه فهرست‌وار به بعضی از این تقریرها اشاره می‌کنیم؛ ولی تقریر اصلی به گونه‌ای است که در آن به طور مستقیم از صدق و کذب قضیه سخن رفته است. فلاسفه تقریرهایی را که در آن، مفهوم صدق لحاظ شده است، «پارادوکس معنایی» و تقریر دیگر مانند تقریر راسل را «پارادوکس منطقی» نامیده‌اند. تقریر اصلی پارادوکس دروغ‌گو از زمان پارمنیدس آغاز شده است. در جهان اسلام نیز اثیرالدین ابهری در کتاب تنزیل الافکار (ابهری، بی‌تا: ۲۶۲)، خواجه نصیرالدین طوسی در تعدیل المعیار فی نقد تنزیل الافکار (ر.ک: طوسی: ۱۳۵۳)، سعدالدین تفتازانی در شرح المقاصد (تفتازانی، ۱۴۳۹ق)، جلال‌الدین دوانی در نهاية الکلام فی شبهة کل کلامی کاذب، (دوانی، ۱۳۸۶)، شمس‌الدین

محمد خفّری در رساله عبرة الفضلاء فی حل شبهة جذر الاصم (خفّری، ۱۳۷۵)، سیدصدرالدین دشتکی در رساله فی شبهة جذر الاصم، (دشتکی، ۱۳۷۵) آورده‌اند و همه این رساله‌ها در کتاب «دوازده رساله در پارادوکس دروغگو» جمع‌آوری شده است.

نگاهی اجمالی به بعضی نقدهای گذشتگان از پارادوکس دروغگو

فرایند پاسخ‌گویی به پارادوکس دروغگو به درازای تکوین این پارادوکس قدمت دارد. نقل کرده‌اند که در یونان برای حل پارادوکس فردی به نام خروسیپوس شش رساله نوشته است؛ اما در فلسفه اسلامی توجه جدی برای حل این پارادوکس تقریباً بعد از فخر رازی شروع شده است. البته رگه‌هایی از توجه به معما در آثار فارابی و ابن‌سینا نیز یافت می‌شود ولی طرح جدی حل این پارادوکس توسط اثیرالدین ابهری شاگرد فخر رازی صورت گرفته است (فخررازی، ۱۳۷۸: ۱۳۵؛ قراملکی، ۱۳۷۷: ۴۱). بعد از طرح پارادوکس دروغگو توسط ابهری کسانی مانند خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، کاتبی قزوینی، قطب‌الدین شیرازی، ابن‌کُمونه سمرقندی، سعدالدین تفتازانی، میرسیدشریف جرجانی، میرصدرالدین دشتکی، ملاجلال‌الدین دوانی، شمس‌الدین محمد خفّری، میرداماد و دیگران نیز در این باب قلم زده‌اند که ما به صورت فشرده به دو پاسخ مهم که توسط ابهری و خواجه نصیرالدین ارائه شده است، اشاره می‌کنیم. ابهری پارادوکس دروغگو را این‌گونه حل می‌کند:

کذب این کلام مقتضی صدق آن نیست؛ زیرا لازمه کذب این خبر عدم اجتماع صدق و کذب است و از عدم اجتماع صدق و کذب آن، صدقش نتیجه نمی‌شود؛ زیرا صدق آن عبارت است از اجتماع صدق و کذب آن و از عدم چنین اجتماعی صدق آن لازم نمی‌آید (طوسی، ۱۳۵۳: ۲۳۶).

ابهری در این راه حل ملازمه بین دو قضیه را نفی کرده است و با نفی ملازمه، نتیجه مورد نظر صدق انگاری، ثابت نمی‌شود. به عبارت ابهری می‌پذیرد که صدق جمله دروغگو مستلزم کذب آن است؛ ولی کذب این جمله مستلزم صدق آن نیست.

خواجه نصیرالدین طوسی نقد ابهری را موجه نمی‌داند و خود به پاسخ معمای دروغگو می‌پردازد. حاصل پاسخ خواجه به پارادوکس این است که در این مورد مطابقت و عدم

مطابقت قابل تصور نیست؛ زیرا از خودش خبر داده است و در اینجا مغالطه از نوع «سوء اختلاف حمل» صورت گرفته است.

تحقیق در این مسئله این است که صدق و کذب عارض خبری می‌شود که مغایر با مخبر عنه باشد... اما اگر خبر بعینه همان مخبر عنه باشد، در اینجا صدق و کذب متصور نیست؛ زیرا مطابقت متصور نیست و صدق و کذب جز بین دو چیز قابل تصور نخواهد بود (طوسی، ۱۳۵۳: ۲۳۷).

صدرالدین دشتکی، کاتبی قزوینی، جلال‌الدین دوانی، قطب‌الدین شیرازی، شمس‌الدین سمرقندی، کمال‌الدین بخاری و فرزندش و مجموعاً حکمای حوزه فلسفی شیراز به معمای جذر اصم پاسخ‌های مشابه داده‌اند و گاهی یکی جواب دیگری را نقد کرده و خود جواب جدید ارائه کرده یا نواقص جواب پیشینیان را کامل کرده است. نگارنده بنا ندارد استدلال‌های پیشین را تکرار کند و از طرفی بیان همه آن نقدها نیاز به مقاله مستقل دارد؛ بلکه تلاش می‌کنیم راه حل جدیدی را که متناسب با تقریرهای نوین پارادوکس دروغ‌گوست و توسط تناقض‌باوران معاصر مطرح شده است، ارائه کنیم.

در تناقض منطقی هشت وحدت به عنوان شروط تناقض در نظر گرفته شده است (تفتازانی، ۱۳۸۷: ۳۱۶) و صدرالمتألهین بعداً شرط نهم را بر این شروط هشت‌گانه افزوده است (شیرازی، بی‌تا، ص ۲۰) که برای حل بسیاری از مشکلات فلسفی راهگشا واقع شده است. اگر هر کدام از این شروط در دو قضیه متناقض وجود نداشته باشد، اصلاً تناقض واقعی تحقق نمی‌یابد. با عنایت به مطالب فوق به نظر نگارنده دو اشکال در صادق‌انگاری پارادوکس دروغ‌گو وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف) در این پارادوکس وحدت در حمل رعایت نشده است؛ زیرا در جمله نخست یعنی «همه سخنان من دروغ است» حمل شایع مراد تناقض‌باور است؛ چون منظور از جمله فوق «همه مصادیق» سخنان گوینده این جمله است؛ در حالی که در جمله دوم که به عنوان دلیل صدق تناقض ارائه شده است، یعنی جمله «همه سخنان من دروغ است، صادق یا کاذب

است» حمل مفهوم صدق و کذب که محمول جمله دوم است، بر مفهوم کل موضوع و محمول قضیه اول است؛ در حالی که در نظر تناقض‌باور هر دو جمله مصداق واحد دارد؛ چون صدق و کذب در هر دو جمله جمع شده است.

به عبارت دیگر حکم کذب در جمله اول بر مصادیق سخنان گوینده بار شده است؛ ولی حکم در جمله دوم که به عنوان نتیجه استدلال و صدق‌انگاری تناقض آورده شده، بر مفهوم جمله اول بار شده است؛ لذا وقتی می‌گویید همه سخنان من کاذب است، منظور مصادیق سخنان اوست؛ ولی وقتی می‌گویید این جمله هم کاذب است هم صادق، منظور مفهوم همین جمله است و گوینده در مراحل بعدی استدلال حکم مفهوم جمله اول را بر مصادیق جمله اول بار می‌کند و در نتیجه گرفتار مغالطه اشتراک حمل می‌شود.

به عبارت دیگر یکی از شروط تحقق تناقض، وحدت در حمل است؛ یعنی اگر کسی بگوید: «الجزئی جزئی و الجزئی کلی» ولی وحدت در حمل را رعایت نکرده باشد، تناقض صورت نگرفته است؛ زیرا در قضیه اول «الجزئی جزئی» مصادیق خارجی جزئی مانند هذا القلم و هذا الكتاب مراد است؛ یعنی حمل شایع وصف موضوع قضیه قرار گرفته است؛ ولی حمل اولی وصف محمول قضیه، گویا گفته‌ایم الجزئی بالحمل اولی - یعنی مصادیق مفهوم جزئی - کلی بالحمل اولی.

با توجه به مثال فوق در مثال کل کلامی کاذب نیز وحدت در حمل رعایت نشده است؛ زیرا در جمله اول مراد از کل کلامی بالحمل الشایع (یعنی مصادیق کل کلامی) مراد است؛ ولی در جمله دوم (کل کلامی کاذب و صادق معاً) که نتیجه استدلال است، مفهوم کل کلامی بالحمل اولی مراد است.

ب) اشکال مهم‌تری که بر پارادوکس دروغ‌گو وارد است، مصادره به مطلوب بودن و تحقق خلاف فرض در استدلال است. مصادره به مطلوب بودن و تحقق خلاف فرض را با تحلیل موضوع، مدعا، مقدمات استدلال و نتیجه روشن می‌کنیم. در تقریر فوق از پارادوکس دروغ‌گو چند جزء وجود دارد که باید از همدیگر تفکیک گردد:

۱. موضوع: موضوع در پارادوکس دروغ‌گو «همه سخنان من دروغ است» لحاظ شده است. به عبارت دیگر واقعیت خارجی کلام گوینده که به عنوان محل اجتماع تناقض در نظر گرفته شده است، نفس همین جمله (مصادیق همه سخنان من) است.

۲. مدعا: اجتماع صدق و کذب در نفس همین مدعا تحقق یافته است. یعنی تناقض باور مدعی است که همین جمله «همه سخنان من دروغ است» هم راست است و هم دروغ.
 ۳. در مرحله سوم تناقض باور در صدد اثبات این مدعا بر آمده است؛ یعنی می خواهد ثابت کند که در جمله «همه سخنان من دروغ است» صدق و کذب باهم جمع شده است. برای اثبات این مدعا دلیل اقامه می کند و دلایل از چند مقدمه تشکیل شده است که عبارت اند از:
 ۴. مقدمه اول: به صورت قضیه شرطیه منفصله ارائه شده است. به این صورت که (جمله «همه سخنان من دروغ است» یا راست است یا دروغ).
 ۵. مقدمه دوم: اگر جمله مذکور راست باشد، چون سور آن کلی است، خودش را نیز شامل می شود؛ پس در عین حال که راست است، دروغ است.
 ۶. مقدمه سوم: اگر جمله «همه سخنان من دروغ است» دروغ باشد، باز هم راست است؛ چون دروغ است، راست است؛ یعنی دروغ بودن مقدمه مثبت برای راست بودن تلقی شده است.
 ۷. نتیجه: جمله «همه سخنان من دروغ است» هم راست است و هم دروغ؛ پس ضدین با هم اجتماع کرده اند و چون اجتماع ضدین مستلزم اجتماع نقیضین است، درنهایت اجتماع نقیضین محقق شده است.
- به عبارت دیگر مدعی تناقض باوری می گوید: یا از ابتدا مدعای ما را قبول کنید که در جمله «کل کلامی کاذب» صدق و کذب با هم جمع شده است و اگر قبول ندارید، ما از فرض مورد قبول شما استفاده می کنیم و فرض مورد قبول شما از دو حال بیرون نیست «یا صادق است یا کاذب» و ما به عنوان مقدمه از همین فرض شما استفاده می کنیم و مدعای خود را ثابت می کنیم.
- با توجه به تحلیل جزئیات پارادوکس دروغگو، به نشان دادن مغالطات به کاررفته در استدلال فوق می پردازیم. نقد ما از چند مقدمه تشکیل شده است.

۱. تفاوت بین مقام ثبوت و اثبات. مقام ثبوت مربوط به واقعیت خارجی است. مقام ثبوت یعنی مقام واقع. در مقام واقع، هر چیزی در یک حد و درجه‌ای است. به قول کانت، مقام ثبوت و مقام اثبات «شیء فی نفسه و شیء برای ما» است؛ یعنی مقام ثبوت، مقام شیء فی نفسه است و مقام اثبات، مقام شیء برای ما است.
۲. همچنان‌که حقیقت مقام ثبوت با مقام اثبات فرق دارد، احکام مقام ثبوت و مقام اثبات نیز با هم تفاوت دارد؛ مثلاً ممکن است عملکرد دو نفر جراح قلب در یک شهر در مقام واقع مثل هم باشد؛ ولی اعتبار آن‌ها نزد بیماران آن شهر یکسان نباشد. بعضی پزشک الف را حاذق بدانند و بعضی پزشک ب را.
۳. ممکن است مقام اثبات با مقام ثبوت مطابقت داشته باشد و ممکن است مطابقت نداشته باشد، مانند مثال بالا.
۴. اکنون می‌گوییم پارادوکس دروغ‌گو «کل کلامی کاذب» در مقام ثبوت از چهار صورت خارج نیست. ۱. فقط صادق است. ۲. فقط کاذب است. ۳. نه صادق است و نه کاذب. ۴. هم صادق است و هم کاذب. تناقض‌باور از چهار فرض فوق فرض سوم را به عنوان مدعا و فرض اول و دوم را به عنوان مقدمه برای اثبات مدعای خود انتخاب کرده است؛ اما مدعای تناقض‌باور در صورتی ثابت می‌شود که در مقام ثبوت «کل کلامی کاذب» هم صادق باشد و هم کاذب و اگر در مقام ثبوت «کل کلامی کاذب» هم صادق باشد و هم کاذب و مستدل بخواهد همین مضمون را به عنوان مقدمه استدلال بیاورد، مصادره به مطلوب اتفاق می‌افتد؛ چون دلیل عین مدعا می‌شود. یعنی فرض بر این است که در عالم ثبوت «کل کلامی کاذب» هم صادق است و هم کاذب و ما از تناقض‌باور در مقام اثبات دلیل می‌خواهیم و ایشان گویا گفته است: «کل کلامی کاذب» هم صادق است و هم کاذب؛ چون هم صادق است و هم کاذب؛ زیرا قبول چنین مدعایی بدیهی نیست تا نیاز به دلیل نداشته باشد و اگر «کل کلامی کاذب» در مقام ثبوت فقط صادق باشد یا فقط کاذب باشد، مدعا ثابت نمی‌شود؛ چون اولاً مقام اثبات (مدعای تناقض‌باور) با مقام ثبوت (فقط صادق یا فقط کاذب) مطابقت ندارد؛ علاوه بر اینکه خلاف فرض تناقض‌باور است و اگر مستدل بگوید مدعا درواقع نه صادق

است و نه کاذب باز خلاف فرض اتفاق افتاده است؛ چون فرض مستدل اجتماع صدق و کذب است نه عدم اجتماع و نه فقط صادق و فقط کاذب بودن. بنابراین پارادوکس دروغگو تناقض نداشت نه واقعاً متناقض و صادق تا تناقض باور مدعی شود این تناقض در مقام ثبوت ممکن الصدق است.

پارادوکس کارت تبریک

تناقض باوران پارادوکس کارت تبریک را معمولاً به این صورت بیان می‌کنند:

(الف) جمله نوشته شده در پشت این کارت، صادق است.

(ب) جمله نوشته شده در روی این کارت، کاذب است.

جمله اول از دو حال بیرون نیست یا صادق است یا کاذب. اگر جمله اول صادق باشد، جمله دوم کاذب خواهد بود و اگر جمله دوم کاذب باشد، جمله اول نیز کاذب خواهد بود و در نتیجه جمله اول هم صادق است و هم کاذب (شریفزاده، ۱۳۹۶: ۳۵-۳۶).

نقد پارادوکس کارت تبریک

به نظر نگارنده دو اشکال بر صدق انگاری پارادوکس کارت تبریک وارد است: نخستین اشکال عبارت است از مبتلابودن استدلال به مغالطه ارزیابی یک طرفه و دوری بودن؛ به این بیان که دو جمله فوق با توجه به ارتباط با هم، تناقض نداشت. پس نخست باید نوع ارتباط دو جمله را بررسی کنیم تا مشخص شود حاصل این بررسی چه می‌شود. ما از طریق تحلیل نسبت این دو جمله پیش می‌رویم. سؤال نخست این است که جمله دوم با جمله اول ارتباط دارد یا نه؟ در صورت اول (ارتباط داشتن جمله دوم با جمله اول) جمله دوم یا جزء جمله اول است یا مقدمه جمله اول یا نتیجه جمله اول. اکنون هر یک از این فرض‌ها را بررسی می‌کنیم. با فرض اول (عدم ارتباط جمله دوم با جمله اول صادق و کذب جمله اول ثابت نمی‌شود؛ به این بیان که اگر جمله دوم با جمله اول ارتباط نداشته باشد و در عین حال جمله اول تناقض صادق باشد، باید جمله اول بدون جمله دوم هم صادق و هم کاذب باشد؛ در حالی که این چنین نیست؛ یعنی اگر جمله دوم (جمله نوشته شده در پشت کارت) را در

نظر نگیریم، جمله اول فی نفسه نمی‌تواند هم صادق و هم کاذب باشد. پس جمله دوم با جمله اول ارتباط دارد و این ارتباط از سه صورت مذکور بیرون نیست؛ چون حصر عقلی است. جمله دوم نمی‌تواند نتیجه جمله اول باشد؛ چون تناقض‌باور می‌خواهد صدق و کذب جمله اول را به عنوان نتیجه اثبات کند و همچنین جمله دوم نمی‌تواند جزء جمله اول باشد؛ چون موضوع، محمول و نسبت در هر دو قضیه، جدا از هم‌اند و هیچ جزئی از جمله دوم جزء جمله اول نیست، بلکه فقط محکی جمله دوم، جمله اول است و محکی جمله اول جمله دوم و اصل سؤال ما از تناقض‌باور همین است که چگونه ممکن است محکی هر دو جمله در عالم واقع به صورت وابسته به هم محقق باشد؟ با ابطال سه فرض فوق، فقط فرض چهارم باقی می‌ماند که عبارت است از مقدمه‌بودن جمله دوم برای جمله اول؛ یعنی صادق‌بودن و کاذب‌بودن جمله اول با موجه‌بودن جمله دوم قابل قبول است. پس قبل از اثبات مدعا باید جمله دوم را با قطع نظر از جمله اول بررسی کنیم تا موجه‌بودن و نبودن آن معلوم گردد. جمله دوم مدعی است که جمله اول کاذب است؛ پس برای صادق‌بودن این گزاره باید به محکی جمله اول مراجعه کنیم و محکی جمله اول خود، جمله دوم است. درنهایت به این نتیجه می‌رسیم که رابطه جمله دوم با جمله اول دوری است و آن هم دور مصرّح؛ یعنی صدق جمله دوم وابسته به صدق جمله اول است و صدق جمله دوم وابسته به صدق جمله دوم؛ بنابراین اصلاً نوبت نمی‌رسد که ما دوباره به جمله اول مراجعه کنیم و محتوای آن را برای بار دوم بررسی کنیم و سپس به صورت قضیه شرطیه اظهار کنیم که یا صادق است یا کاذب و بطلان دور از بدیهیات است.

به عبارت دیگر تناقض‌باور مدعی است جمله اول هم صادق است و هم کاذب. ما از مدعی دلیل می‌خواهیم و دلیل مدعی کاذب‌بودن جمله دوم است. باز ما از تناقض‌باور دلیل کاذب‌بودن جمله دوم را می‌خواهیم. تناقض‌باور دلیل بیرونی بر اثبات کاذب‌بودن جمله دوم ندارد و کاذب‌بودن جمله اول نیز نمی‌تواند دلیل کاذب‌بودن جمله دوم باشد؛ چون مدعی، صدق جمله اول را برای صدق مضمون جمله دوم مفروض گرفته است؛ پس صدق جمله دوم وابسته به صدق قضیه اول است و صدق قضیه اول وابسته به صدق قضیه دوم؛ پس این دو

قضیه با هم دوری‌اند و بطلان دور از بدیهیات منطقی است و ما نشان دادیم در همین مورد خاص که مورد ادعای تناقض‌باور است، دور اتفاق افتاده است و اصولاً فرض بازگشت به جمله اول و بیان آن به صورت قضیه شرطیه و با ادات شرط از بنیاد اشتباه است.

اشکال دوم و مهم‌ترین اشکال این پارادوکس آن است که برای اثبات امکان صدق نقیضین در همین مورد از اصل عدم تناقض استفاده شده است و اصل امتناع تناقض در همین استدلال به عنوان اصل موضوعی مورد قبول تناقض‌باور قرار گرفته است؛ به این بیان که ما از تناقض‌باور سؤال می‌کنیم که شما به چه دلیل می‌گویید «جمله نوشته‌شده در پشت کارت تبریک یا صادق است یا کاذب»؟ آیا ممکن است هم راست باشد و هم دروغ؟ آیا ممکن است نه راست باشد و نه دروغ؟ اگر تناقض‌باور در جواب بگوید ممکن است هم راست باشد و هم دروغ، مبنای استدلال خودشان به هم می‌ریزد؛ چون انحصار به دو مورد مذکور که به عنوان مقدمه استدلال تلقی شده است، درست نیست. علاوه بر اینکه یک قدم به عقب بر گشته است؛ چون تناقض‌باور در پی اثبات تحقق خارجی تناقض صادق بود و ما می‌گوییم این امکان را قبول نداریم، چه رسد به اینکه شما تحقق آن را در خارج اثبات کنید؛ چون مقدمه استدلال‌تان بر اصل امتناع تناقض در همین مورد خاص استوار است و اگر تناقض‌باور بگوید که قضیه فوق ممکن نیست هم راست باشد و هم دروغ، ولو اینکه عدم امکان را به صورت فرض تلقی کند، در همین مورد که تناقض‌باور آن را یکی از مصادیق تحقق صدق تناقض تلقی کرده است، محال‌بودن اجتماع نقیضین را نیز پذیرفته است. در نتیجه تناقض‌باور باید بپذیرد که در همین مورد خاص نیز ممکن است نقیضین صادق باشد و ممکن است کاذب باشد. عدم اجتماع صدق و کذب محتمل است و با وجود احتمال، صدق‌انگاری تناقض در همین مورد خاص نیز اثبات نمی‌شود.

اگر تناقض‌باور مدعی شود که من از فرض مورد قبول خودتان استفاده می‌کنم، چون شما قبول دارید که این قضیه یا راست است یا دروغ. ما در جواب می‌گوییم

اولاً آیا شما امکان اجتماع را احتمال می‌دهید یا نه؟ اگر امکان اجتماع را احتمال بدهید، نمی‌توانید استدلال کنید؛ چون شما به صورت قطع مدعی هستید که صدق و کذب جمع شده است و اگر محال بودن اجتماع صدق و کذب را در همین مورد قبول دارید، مدعای شما بدون دلیل می‌ماند؛ چون برای اثبات مدعای‌تان از مقدماتی استفاده کرده‌اید که خودتان آن را قبول ندارید.

اگر تناقض‌باور ادعا کند که ما استدلال را به صورت قضیه شرطیه اظهار کرده‌ایم و صدق محتوای قضیه شرطیه وابسته به نسبت مقدم و تالی است نه مطابقت و عدم مطابقت با مصداق خارجی، بنابراین اشکال شما وارد نیست، چون ما در مقدمه استدلال از اصل امتناع تناقض استفاده نکرده‌ایم.

در جواب می‌گوییم قضایای شرطیه در واقع به دو قضیه حملیه باز می‌گردد و روح قضایای شرطیه، حملی است و اگر همین قضیه شرطیه را کالبدشکافی کنیم، می‌بینیم که به دو قضیه حملیه برمی‌گردد که یکی مخالف دیگری است (ر.ک: سهروردی، ۱۳۳۴: ۲۹).

پارادوکس تقویت‌شده

پارادوکس تقویت‌شده به زعم تناقض‌باور صورت پیشرفته از تحقق صدق تناقض است که در کمند هیچ کدام از اشکالات مذکور نمی‌افتد. پارادوکس تقویت‌شده را معمولاً به این صورت بیان می‌کنند:

۱. الف در هیچ یک از سلسله‌مراتب زبان صادق نیست.
۲. جمله فوق یک قضیه است که یا صادق است یا کاذب. اگر صادق باشد، آنچه می‌گوید برقرار است؛ پس الف در هیچ مرتبه صادق نیست و در این صورت کاذب است. حال فرض کنید که الف کاذب است. در این صورت آنچه می‌گوید برقرار نیست؛ یعنی الف حداقل در یکی از سلسله‌مراتب زبان صادق است و در این صورت الف صادق است اگر و تنها اگر کاذب باشد (حجتی، ۱۳۹۰: ۹۵).

نقد پارادوکس تقویت شده

اولاً تناقض باور در این قضیه وحدت حمل را رعایت نکرده است؛ چون قضیه قرار است از مصادیق گزارش دهد؛ در حالی که هنگام گزارش از قضیه الف، مراد مفهوم قضیه است گرچه شخص تناقض باور خواسته است با آوردن کلمه سلسله مراتب از افتادن در دام این مغالطه فرار کند، اما واقع را اعتبار معتبر یا بیان عبارت تغییر نمی دهد.

ثانیاً همان گونه که در ضمن مباحث پیشین روشن کردیم، قضیه اجتماع نقیضین از تحلیل و نسبت مفهوم وجود و عدم به دست می آید که مصداق واقعی آن وجود و عدم است و در خارج عدم حقیقتاً تحقق ندارد تا بتوان موردی را پیدا کرد که هم مصداق مفهوم وجود باشد و هم مصداق مفهوم عدم.

پارادوکس یابلو

تناقض باور صورت پارادوکس یابلو را معمولاً به شکل زیر بیان می کند:

۱. تمام جملات بعدی کاذب اند.

۲. تمام جملات بعدی کاذب اند.

۳. تمام جملات بعدی کاذب اند.

جمله شماره یک یا صادق است یا کاذب. اگر جمله شماره یک صادق باشد، تمام گزاره های بعدی کاذب خواهند بود و از جمله گزاره شماره دو نیز کاذب است. در صورت کاذب بودن جمله شماره دو حداقل یکی از گزاره های بعد از دو صادق خواهند بود و در نتیجه یکی از گزاره های بعد از یک صادق خواهند بود و این یعنی گزاره یک کاذب است. در نتیجه گزاره شماره یک صادق است، اگر کاذب باشد. فرض کنید که این گزاره صادق $k (1 < k)$ باشد حال اگر k صادق باشد، آن گاه تمام گزاره های بعد از k کاذب خواهند بود و در این صورت $k+1$ نیز کاذب خواهد بود و اگر گزاره $k+1$ کاذب باشد در این صورت حداقل یکی از گزاره های $k+1$ صادق خواهد بود. فرض کنید آن گزاره صادق $k+1+n$ باشد. در این صورت چون این گزاره بعد از k قرار دارد، پس حداقل یک گزاره بعد از k صادق است و این یعنی

خود k کاذب است، پس k نمی‌تواند آن گزاره صادق باشد؛ اما چون k دلخواه است، می‌توان نتیجه گرفت که هیچ گزاره صادقی بعد از ۱ وجود ندارد و این یعنی همه گزاره‌های بعد از ۱ کاذب‌اند و در این صورت، یک صادق است. بنابراین گزاره یک هم صادق است و هم کاذب. از طرف دیگر فرض کنیم که قضیه شماره یک کاذب است. در این صورت حداقل یکی از گزاره‌های بعد از یک صادق خواهد بود. در نتیجه گزاره شماره یک هم صادق است و هم کاذب (ر.ک: حجتی، همان: ۹۶).

نقد پارادوکس یابلو

پارادوکس یابلو نیز مبتلا به چند اشکال است:

۱. اشکال وارد بر پارادوکس‌های پیشین بر این پارادوکس نیز وارد است و این سؤال بدون پاسخ می‌ماند که چرا گزاره اول یا صادق است یا کاذب؟
۲. در این پارادوکس نیز وحدت موضوع حفظ نشده است؛ چون موضوع جمله نخست وسیع‌تر از موضوع جمله دوم و موضوع جمله دوم وسیع‌تر از موضوع جملات بعدی است.
۳. احتمال صدق در نگاه بدوی به نظر می‌رسد، و الا شما روی هر گزاره که دست بگذارید، در واقع کاذب است.
۴. فرض صدق جمله اول درست نیست؛ نه اینکه هم فرض درست است و هم خلاف فرض. ما از وجود یک فرد متناقض با گزاره اول به این نتیجه می‌رسیم که فرض اول ما غلط بوده است؛ یعنی بعد از مقایسه گزاره‌های بعدی و نسبت آنان با گزاره اول به اشتباه بودن فرض پی می‌بریم نه اینکه هم فرض درست است و هم نتیجه خلاف فرض درست است.

فرض کنیم تناقض‌باور مدعی است گزاره ۱ صادق است؛ ما از تناقض‌باور دلیل صدق گزاره ۱ را می‌خواهیم و ایشان دلیل صدق گزاره ۱ را صدق گزاره ۲ تلقی می‌کند. باز ما دلیل صدق گزاره ۲ را می‌خواهیم، تناقض‌باور دلیل صدق گزاره ۲ را صدق گزاره ۳ می‌داند و اگر به همین روش پیش برود تناقض‌باور نمی‌تواند تا بی‌نهایت ادامه دهد و اگر برگردد و دلیل صدق

گزاره ۳ را کذب گزاره ۱ بداند، مبتلا به دور شده است و در هر دو صورت نمی‌تواند صدق یا کذب گزاره شماره یک را اثبات کند و عدم اثبات مدعا دلیل بر محتمل بودن بطلان استدلال تناقض باور است.

به جز نقدهای که بر هر کدام از ادله تناقض باوری وارد است، یک دلیل عام نیز بر بطلان همه پارادوکس‌های فوق وارد می‌باشد که عبارت است از:

هر دلیلی که بر امکان اجتماع و ارتفاع نقیضین اقامه شود، نخست باید ثابت شود که دلیل بودن و دلیل نبودن خود این دلیل یا مدعا قابل اجتماع نیست؛ زیرا در غیر این صورت باب این احتمال همواره باز می‌ماند که ممکن است دلیل مذکور هم دلیل موجه باشد و هم ناموجه باشد و با وجود این احتمال، دلیل از دلیل بودن ساقط می‌گردد و هرگز به نتیجه نمی‌رسد؛ زیرا معنای این احتمال آن است که دلیل در عین حال که بر امکان اجتماع نقیضین دلالت دارد، بر محال بودن آن نیز دلالت دارد و اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال.

خلاصه و نتیجه‌گیری

۱. تناقض باوری صورت نوینی از «معمای جذر اصم» است که به درازای تفکر بشر قدمت دارد.
۲. تناقض باوری مدعی است که اجتماع صدق و کذب تحقق خارجی دارد.
۳. تناقض باوری کلیت و ضرورت اصل تناقض را نفی می‌کند.
۴. ادله تناقض باوران ذکر پارادوکس‌های گوناگون و از جمله چهار پارادوکس است که نقد شده است.
۵. ادله تناقض باوران موجه به نظر نمی‌رسد.
۶. ما در این مقاله در مجموع یازده نقد ابتکاری منطقی بر چهار پارادوکس تناقض باوری وارد کرده‌ایم.
۷. مغالطات به کار رفته در ادله تناقض باوران عبارت اند از «سوء اختلاف حمل»، «دوری بودن استدلال‌ها» «عدم رعایت وحدت در موضوع و حمل» «تحقق خلاف فرض» «پیش فرض اصل تناقض در استدلال‌ها» و «مصادره به مطلوب».

منابع

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۶۲)، شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی، تهران: انتشارات حکمت.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، الالهیات (۱۴۰۵ ق.)، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- ارسطو، (۱۳۷۷) متافیزیک، ترجمه شرف‌الدین خراسانی، تهران: حکمت.
- ارسطو (۱۹۸۰ م)، منطق ارسطو، تحقیق عبدالرحمن بدوی، ج ۲، بیروت، دار القلم.
- پرست، گرام (۱۳۸۳)، «تناقض‌باوری»، ترجمه رحمت‌الله رضایی، معرفت فلسفی، شماره ۳.
- تفتازانی، عبدالله بن شهاب‌الدین (۱۳۸۷)، الحاشیة على تهذیب المنطق، انتشارات دار التفسیر، چ ۳.
- تفتازانی، سعدالدین (۱۳۷۱)، شرح المقاصد، تحقیق عبدالرحمن عمیره، قم: انتشارات الشریف الرضی، چ ۴.
- چیت‌ساز، مازیار (۱۳۸۹)، «رویکردهای نو به قانون عدم تناقض»، منطق‌پژوهی، سال اول، شماره ۲.
- حجتی، محمدعلی (۱۳۹۰)، «بررسی و نقد دیدگاه تناقض‌باوری»، اندیشه دینی، دانشگاه شیراز، شماره ۳۹.
- خفری، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۵)، رسالة عبرة الفضلاء فی حل شبهة الجذر الاصم، تصحیح احمد فرامرز قراملکی، خردنامه صدرا، شماره ۴.
- خوانساری، محمد (۱۳۷۶)، فرهنگ اصطلاحات منطقی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ ۲.
- دشتکی، میرصدرالدین (۱۳۷۵)، «رسالة فی شبهة الجذر الاصم»، خردنامه صدرا، شماره ۵ و ۴، پاییز و زمستان.
- دوانی، جلال‌الدین، (۱۳۷۵) نهاية الکلام فی شرح شبهة کل کلامی کاذب، تصحیح قراملکی احمد فرامرز، نامه مفید، شماره ۵.
- سلیمانی امیری، عسکری (۱۳۸۵)، «جایگاه امّ القضايا (اصل امتناع تناقض در میان معارف بشری)»، معرفت فلسفی، سال ۳، شماره ۳، ص ۷۹-۱۰۷.
- سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۳۴)، منطق التلویحات، تصحیح اکبر شهابی، تهران: دانشگاه تهران.
- شریف‌زاده، رحمن (۱۳۹۶)، خوش‌آمدگویی به تناقض، تهران: نشر کرگدن، چ ۱.
- صادقی، رضا (۱۳۸۴)، «درباره اصل عدم تناقض»، معرفت فلسفی، سال دوم، شماره ۴.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (بی‌تا)، منطق نوین، تهران.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۷)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۲ و ۳، تهران.

- صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۵)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۳، تهران.
- طوسی ابو جعفر محمد بن محمد بن حسن (۱۳۹۵)، اساس الاقتباس، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران: چ ۶.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن محمد (۱۳۵۳)، «تعدیل المعیار فی نقد تنزیل الافکار»، به اهتمام عبدالله نورانی، در منطق و مباحث الفاظ، به اهتمام مهدی محقق و توشیهیکو ایزوتسو، تهران.
- عارفی، عباس (۱۳۸۸)، مطابقت صور ذهنی با خارج، تهران: سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱.
- عسکری، حسین بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الآفاق الجدیدة، چ ۱.
- اعوانی، غلامرضا (۱۳۷۵)، «تعارضات نظریه مجموعه‌ها»، حکمت و هنر معنوی (مجموعه مقالات)، تهران: گروس.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق)، المنطقیات للفارابی، ج ۱، محمدتقی دانش پژوه، قم.
- قراملکی، احمد (۱۳۸۶)، دوازده رساله در پارادوکس دروغگو، مقدمه، تصحیح و تعلیقه احمد فرامرز قراملکی، تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، چ ۱.
- کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۸۸)، تاریخ فلسفه، ج ۱، ترجمه جلال الدین مجتبوی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۸۱)، سیر حکمت در اروپا، تهران: انتشارات زوار، چ ۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، مجموعه آثار، ج ۱۳، تهران: انتشارات صدرا.
- محقق، مهدی (۱۳۷۰)، منطق و مباحث الفاظ، گرد آورندگان مهدی محقق و توشی هیکو ایزوتسو، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- W.V. Quine (1976), The ways of paradox and other Essays, Cambridge: Harvard University Press, p.2. & R - p.2.
- E. D. Klemke, Ed. (1968), Essays on Frege, Landan: University of Illinois Press.
- Grim, Ptrick (2005), "What is a Cantradiction?", In Graham priest, JC. Beal, B. Armour-Garb, The Law of Non- Cantradiction: New philosophical Essays, Oxford Uiv.press